

لوئی آلتوسر . ژیل دلوز ساختارگرایی چیست؟

ترجمه‌ی نوید گرگین . محمد زمان زمانی



www.ketab.ir



- سرشناسه دولوز، ژیل، ۱۹۲۵ - ۱۹۹۵، Deleuze, Gilles
- عنوان ساختارگرایی چیست؟ / What is Structuralism?
- نام پدیدآور لویی آلتوسر، ژیل دولوز؛ ترجمه نوید گرگین، محمدزمان زمانی جمشیدی
- مشخصات نشر تهران: شبخیز، ۱۳۹۹.
- مشخصات ظاهری ۱۴۴ ص: ۱۹x۹/۵ س.م.
- شابک ۹۷۸-۶۲۲-۷۱۷۸-۱۰۰۴
- وضعیت فهرست نویسی فیپا
- یادداشت کتاب حاضر ترجمه‌ی دو کتاب با عناوین «Desert islands and other texts, 1953-1974, c2004»
- تألیف ژیل دولوز و «Éléments d'autocritique, ۱۹۷۴» تألیف لویی آلتوسر است.
- یادداشت واژه‌نامه.
- یادداشت کتابنامه: ص. ۱۴۰.
- یادداشت نمایه
- موضوع ماکس، کارل، ۱۸۱۸ - ۱۸۸۳، م.
- موضوع Marx, Karl
- موضوع اسپنوزا، بنیامین، ۱۶۳۲ - ۱۶۷۷، م.
- موضوع Spinoza, Benedictus de
- موضوع فلسفه
- موضوع Philosophy
- موضوع ساختارگرایی
- موضوع Structuralism
- موضوع فلسفه فرانسوی -- قرن ۲۰، م.
- موضوع Philosophy, French -- 20th century
- موضوع روانکاوی و فلسفه
- موضوع Psychoanalysis and philosophy
- شناسه افزوده آلتوسر، لویی، ۱۹۱۸ - ۱۹۹۰، م.
- شناسه افزوده Althusser, Louis
- شناسه افزوده گرگین، نوید، ۱۳۶۷ -، مترجم
- شناسه افزوده زمانی جمشیدی، محمدزمان، ۱۳۶۱ -، مترجم
- شناسه افزوده Zamani Jamshidi, Mohammad Zaman
- رده بندی کنگره B۲۴۳۰
- رده بندی دیویی ۱۹۳
- شماره کتابشناسی ملی ۷۳۵۶۸۷
- اطلاعات رکن کتابشناسی فیپا



نشر شب‌خیز

ساختار گرای چیست؟

لوئی آلتوسر، ژیل دلوز	نویسنده
نوید گرگین و محمدزمان زمانی	مترجمان
حبیب رضایی	طراح جلد
نیکیلاس دستیل	نقاشی روی جلد
ملیحه طرزی جعفری	صفحه‌آرا
پردیس دانش	چاپ و صحافی

چاپ اول ۱۴۰۰، ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۱۷۸-۱۰-۴

قیمت: ۴۹۰۰۰ تومان

نشر شب‌خیز: تهران، انتهای اشرقی اصفهانی، خیابان نفت، پلاک ۴۴، واحد ۲۲

تلفن: ۴۴۸۷۰۴۲۶

Email: nashreshabkhiz@gmail.com

www.nashrshabkhiz.com

nashrshabkhiz 

فهرست

- مقدمه: مسئله‌ی ساختار گرای / نوید گرگین و محمدزمان زمانی ۹
- دلوز و آلتوسر در رقت یا ساختار گرای / تد اشتولتس / ترجمه‌ی نوید گرگین ۲۱
- چگونه ساختار گرای را باطل می‌کنیم؟ / ژیل دلوز / ترجمه‌ی محمدزمان زمانی ۴۹
- درباره‌ی لوی-استروس / لوئی آلتوسر / ترجمه‌ی محمدزمان زمانی ۱۰۵
- ساختار گرای؟ / لویی آلتوسر / ترجمه‌ی نوید گرگین ۱۲۷
- مؤخره: نجات از هزارتوی اندیشه / نوید گرگین ۱۴۱
- واژه‌نامه‌ی فارسی به انگلیسی ۱۵۱
- نمایه ۱۵۳

مقدمه‌ی مترجمان: مسئله‌ی ساختارگرایی

نوید گرگین و محمدزمان زمانی

Qui enseigne sans émanciper abrutit.

«هر آن که چیزی بیاموزاند ولی نجات‌مان ندهد، به عبث می‌کوشد.»
ژاک رانسییر

در طی سال‌های دوره‌ی تز دکترای علی‌رغم این که ما مترجمان (نوید گرگین و محمدزمان زمانی) روی موضوعات مختلفی کار می‌کردیم^۱، چند مسئله‌ی مشترک ما را (و البته تعداد دیگری از دوستان آن مجموعه را) به یکدیگر پیوند می‌داد. یکی از این مسئله‌ها که از جمله‌ی مشغولیت‌های فکری ما بود پیرامون نسبت ساختارگرایی و علوم انسانی گشت می‌زد؛ پس از پایان دوره‌ی دکترای فرصتی پیدا شد تا دغدغه‌ی آن مسئله‌ها ادامه پیدا کنند. اما انتشار بخشی از این مسئله‌ها و شریک کردن دیگر علاقه‌مندان به این موضوعات نیازمند توجیهی جداگانه است؛ آن هم در این وائفسای بحران‌های هرروزه که تقریباً هر فعالیت نظری باید دلایلی داشته باشد که چرا این جا و اکنون

۱. موضوع تز یکی از ما پیرامون سیاست، اخلاق و زیباییشناسی ژیل دلوز بود و دیگری رابطه‌ی فلسفه و نقد ایدئولوژی در سنت ماتریالیسم تاریخی به ویژه به کمک ایده‌هایی از آلتوسر.

به این عمل اهتمام می‌ورزد و چه تضمینی هست که به سرنوشت دیگر فعالیت‌های پیش از خود دچار نمی‌شود؟ البته تضمینی نیست.

اولین هدف این مجموعه آن است که با به اشتراک گذاشتن این موضوع مشترک بتواند در حکم اعلان عمومی درخواست کمکی باشد برای دیگرانی که شاید دغدغه‌های مشترکی را در سر می‌پروراند (هر چه باشد این دلیل تقریباً برای توجیه تمام ژورنال‌ها و مطالب علمی سواي محتوای علمی مستقیم آن‌ها صدق می‌کند). دوم این که در این حوزه که ما هنوز در پی پرداختن به خود «سؤال» هستیم، پرتاب این «مسئله»^۱ در فضای عمومی و مشارکت (احتمالی) دیگرانی که احتمالاً نمی‌شناسیم (چه بسا دیگرانی از آینده می‌آیند) می‌تواند به پرورش خود این «مسئله» نیز یاری برساند. در حقیقت (اگر امیدوار باشیم) مداخلات احتمالی با این جنس مسئله‌ها بخشی از روشن‌تر شدن خود «مسئله» به‌شمار می‌رود. در نهایت این خود مسئله است که ما را وادار می‌کند تا آن را به فضای عمومی پرتاب کنیم.

اما علاوه بر این خصلت عمومی هر موضوعی که به مسئله بدل شده باشد، در نظر داریم که موضوع «ساختارگرایی» در فضای ایران و زبان فارسی (به‌خصوص در حوزه‌ی دانشگاه) چهره‌ای ژانوسی به خود گرفته است. از یک طرف به‌نظر می‌رسد تنها در مقاطعی کوتاه، این ساختارگرایی بود که به علوم انسانی اعتماد به نفس آن را داد تا سینه سپر کند و خود را به‌عنوان یک «علم» اعلام دارد (موضوعی که در خلال نوشته‌های مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت)؛ و از طرف دیگر مشاهده می‌کنیم که هنوز این موضوع به یک نتیجه‌ی جمعی

۱. در مورد ریشه‌ی واژه‌ی «مسئله» یا پروبلم (πρόβλημα) می‌دانیم اصطلاحی یونانی است که وارد لاتین و سپس دیگر زبان‌های اروپایی شده است. در زبان یونانی می‌توان آن را متشکل از دو بخش دانست یکی پیشوند «پرو» (προ) به معنی «در برابر» و مصدر «بُئو» (βούλομαι) به معنی پرتاب کردن. نتیجه‌ی تحت‌اللفظی «پرتاب امری به پیش» از پرتاب مسئله به‌عنوان بخشی از خصلت مسئله‌مندی مسئله خبر می‌دهد.

در فضای زبان فارسی حتی نزدیک هم نشده است. بخش اعظم نوشته‌جات درباره‌ی ساختارگرایی حمله به آن و انگشت گذاشتن روی وجوه سرکوبگر (۱) ساختار، نشانه و غیره و غیره بود. به ویژه و از همین حیث ساختارگرایی همواره به عنوان اندیشه‌ای ضد آزادی و اختیار بشر چه در غرب و چه ایران مورد نفرت واقع شده است، به خصوص مدافعان اندیشه‌ی سیاسی لیبرالیستی، ساختارگرایی را دشمن بلافصل خویش انگاشته و می‌انگارند و این امر با توجه به عطش تاریخی ایرانیان برای آزادی چندان هم عجیب نیست. ولی همان طور که ایتالو کالوینو نویسنده‌ی مشهور ایتالیایی و از دوستان نزدیک رولان بارت و میشل فوکو (دو چهره‌ی شاخص و کلیدی منتسب به جریان ساختارگرایی) می‌گوید، مسئله و دغدغه‌ی محوری اندیشمندان ساختارگرا (که او فروید را هم در آن زمره می‌گنجاند) دقیقاً و از قضا آزادی است. بر همین اساس اکنون دفاع از ساختارگرایی نمی‌تواند بدون لکنت صورت بپذیرد. آن چه برای ما در این بازی بی‌معنای به اصطلاح پس‌ساختارگرا^۱ جالب توجه است نه نقد ساختارگرایی بلکه حمله به «عقل» و «منطق» به‌طور کلی به بهانه‌ی منابع نقلی در این زمینه است. این فاضلان دانشگاهی در ایران به‌راستی ما را «چند دهه جلو انداختند»^۲ و چه بسا نه فقط از جنبش ساختارگرایی بلکه ما را از هرگونه «فکر منطقی» نیز معاف کردند.

موضع ما البته شیفتگی یا تنفر نسبت به این جریان‌های تاریخی علوم نیست بلکه تأکید بر این موضوع است که اساساً چرا ما در این

۱. به واقع خود این واژه‌ی «پس‌ساختارگرایی» از جمله‌ی بی‌معناترین کلماتی ست که بی‌خبران (به‌ویژه در جهان انگلوساکسون) جعل کرده‌اند برای دوره‌بندی چیزی که چندان از آن سر در نیاورده‌اند. همین بس که در فضای فرانسه این واژه نه تنها استعمال ندارد بلکه همه آن را به عنوان یک کژفهمی مشهور انگلیسی خوب می‌شناسند.

۲. به قیاس آن شوخی که برخی از مخاطبان مباحث «نقد مدرنیته» و «پست‌مدرنیسم» در ایران داشتند که توانستیم با پریدن از روی «مدرنیته» و دور زدن استلزامات آن به واقع چند قرن جلو بیاییم.

مناسبات نمی‌توانیم بینشی و رای همین شیفتگی یا تنفر داشته باشیم؟ چه علتی مانع از آن می‌شود تا بتوانیم به نوعی خودآگاهی از شرایط تاریخی خود دست پیدا کنیم؟ در واقع کدام نیروها هستند که از چنین شناخت واقع‌بینانه‌ای ممانعت می‌کنند؟ مواردی هم چون «میل» برای ابداع علوم «بومی» (گویی اصلاً علم یا حقیقت می‌تواند «بومی» یا «محلی» باشد) تنها سمپتوم‌هایی هستند از این انسداد (فرا) تاریخی. به نظر می‌رسد امروز این «ما»ی ایرانی که فرصت پیدا کرده تا پس از اولین موج مواجهه با تمدن جدید غرب دوباره خودش را بازسازی کند و این بار با ابزارهایی جدید (از ایدئالیسم گرفته تا پست‌مدرنیسم) یک «خود» متورم و «ذهنی» را برای خودش تدارک ببیند، اجازه نمی‌دهد تا دیگر هر منطقی را که یک دیگری برتر را برای ما آشکار کند تاب بیاوریم. شاید در چنین موقعیتی باشد که طرح دوباره‌ی موضوعی مثل «ساختار» و عواملی که از «اراده»ی ما عبور می‌کنند، دست کم تمرینی برای شکستن آن ضمیر اول شخص باشد.

علوم انسانی و ساختارگرایی

ساختارگرایی مقوله‌ای تاریخی و در عین حال تجربی‌ست. بنا بر تحلیل آلتوسر می‌توان نشان داد که بخش زیادی از آن چه امروز به نام «ساختارگرایی» می‌شناسیم دست‌آوردهای نظری طیفی از دانشمندان علوم انسانی (به‌خصوص در حوزه‌هایی مثل زبان‌شناسی و انسان‌شناسی) است که به شکل مجموعه‌ای از احکام نظری و فلسفی قوام یافته‌اند. ساختارگرایی به نوعی با شکل قرن بیستمی ظهور و بالیدن علوم انسانی عجین شده است. تصور علوم انسانی مدرن بدون زبان‌شناسی سوسور، روان‌شناسی پیازه یا انسان‌شناسی لوی-استروس تا حدود زیادی ناممکن است.